

بررسی لایحه برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه (۷۶): از منظر تشکلهای اجتماعی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل: ۱۹۲۸۲
کد موضوعی: ۲۱۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۲/۷/۱۰

عنوان گزارش:
بررسی لایحه برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه (۷۶):
از منظر تشکلهای اجتماعی

نام دفتر:
مطالعات اجتماعی
(گروه تعاون، مشارکت‌های مردمی و سرمایه اجتماعی)

تهیه و تدوین کننده:
حسام عزت‌آبادی‌پور

همکاران:
سینا شیخی، محمدباقر امتی

ناظران علمی:
بهمن مشکینی، مهدی مختاری‌پیام

اظهار نظر کنندگان:
رضا بختیاری‌نژاد

ویراستار ادبی:
سیده مرضیه موسوی‌راد

گرافیک و صفحه‌آرایی:
محمد دهقانی‌شهرابی

واژه‌های کلیدی:
۱. تشکلهای مردم‌نهاد
۲. تشکلهای اجتماعی
۳. مشارکت
۴. خیریه
۵. برنامه هفتم توسعه



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۸
۲. احکام مرتبط با حوزه تشکل های اجتماعی در لایحه برنامه هفتم.....	۱۰
۳. ارزیابی لایحه برنامه پنج ساله هفتم توسعه.....	۱۰
۴. جمع بندی و پیشنهادها.....	۱۳
۵. منابع و مآخذ.....	۱۵

فهرست جداول و اشکال

جدول ۱. احکام حمایتی و امدادی برنامه ششم توسعه که از برنامه هفتم توسعه حذف شده.....	۱۱
شکل ۱. اصول حاکم بر سطوح مشارکت مردم در اجرای سیاست های کلی برنامه هفتم توسعه.....	۹



بررسی لایحه برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه (۷۶): از منظر تشکلهای اجتماعی

چکیده



برای مشارکت داوطلبانه در حوزه اجتماعی و کمک به دولت در تأمین اجتماعی کشور خواهند داشت. از این رو پیشنهاد می‌شود برنامه‌های توسعه‌ای کشور به‌ویژه برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه کشور به‌گونه‌ای تدوین شود که مردم و تشکلهای اجتماعی از دو منظر کمی و کیفی، تقویت و توانمند شوند. جایگاه آنها در عرصه اجتماعی کشور در ساحت‌های تصمیم‌گیری، نظارت، مطالبه‌گری تبیین شود و بستر همکاری دولت با تشکلهای مذکور در انجام امور عمومی کشور فراهم شود

لایحه برنامه هفتم توسعه برای تشریح برنامه‌های دولت در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور در پنج سال آتی کشور، تقدیم مجلس شورای اسلامی شد. سند مذکور در قالب ۱۵ حکم به موضوع تشکلهای مردم‌نهاد، خیریه‌ها و تشکلهای اجتماعی ورود داشته است. احکام مذکور مشارکت حداقلی مردم (تأمین منابع مالی و انسانی) را مدنظر قرار داده است. در صورتی که اگر مردم و نهادهای مردمی خود را شریک تصمیم‌گیری‌های دولت نبینند و جایگاهی برای نظارت و مطالبه‌گری در حوزه اجتماعی نداشته باشند، اشتیاقی هم



بیان مسئله

بند «۸» اصل سوم قانون اساسی تأکید دارد که دولت باید تمامی ظرفیت‌های خود را به کار گیرد تا شرایطی فراهم شود که مردم بتوانند سرنوشت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود را تعیین کنند. بندهای «۱۳» و «۱۸» سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله هفتم توسعه نیز تکالیفی در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی برای دولت در نظر گرفته که باید با مشارکت مردم و نهادهای مردمی انجام شود. تحقق این مهم مستلزم آن است که دولت به مردم اعتماد کند؛ حامی تشکلهای بانی و توانمندسازی ایشان باشد و آنها را در فرایندهای تصمیم‌گیری، نظارت و مطالبه‌گری، شریک خود بداند. در این شرایط، جامعه و تشکلهای اجتماعی در راستای مسئولیت‌های اجتماعی خود، ظرفیت‌ها و منابع مالی و انسانی خود را به میدان می‌آورند. بر این اساس، احکام مندرج در لایحه برنامه هفتم توسعه کشور باید به گونه‌ای نوشته می‌شد که دولت را در پنج سال آینده به سوی مشارکت واقعی مردم و تشکلهای اجتماعی در اداره امور عمومی کشور هدایت می‌کرد.

یافته‌های کلیدی

لایحه برنامه هفتم توسعه، در ۱۵ بند به مباحث مشارکت مردمی و تشکلهای اجتماعی ورود کرده است. این احکام چند ایراد اساسی به شرح ذیل دارد که بی‌توجهی به آنها می‌تواند عوارض نامطلوبی برای جامعه در پی داشته باشد:

- ۱- کم‌توجهی به امر مشارکت اجتماعی و زندگی انجمنی؛
- ۲- نقش مبهم نهادها و تشکلهای مردمی در نظام اداری کشور؛
- ۳- مشارکت حداقلی تشکلهای حکمرانی اجتماعی کشور؛
- ۴- کم‌توجهی به سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در تدوین احکام مرتبط با امور خیریه‌ای؛
- ۵- تدوین برنامه در نبود آمار و اطلاعات متقن در حوزه مشارکت‌های مردمی؛

۶- هدف‌گذاری نامشخص در حوزه مشارکت‌های اجتماعی؛

۷- نداشتن نگاه جامع به مشارکت اجتماعی؛

۸- کم‌توجهی به اقشار و تشکلهای اجتماعی خاص کشور؛

۹- حذف شدن برخی احکام حمایتی دولت و افزایش بار

مسئولیت تشکلهای اجتماعی؛

۱۰- رفع نشدن برخی از منابع تعارض منافع در حوزه مشارکت‌ها و

تشکلهای مردمی.

پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

به منظور رفع مشکلات فوق‌الذکر و تحقق اهداف مندرج در بندهای «۱۳» و «۱۸» سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه، پیشنهادهایی در حوزه مشارکت‌ها و تشکلهای اجتماعی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

■ تعیین متولی واحد برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه خدمات و سلامت اجتماعی در کشور

■ یکپارچه‌سازی فرایندهای مدیریتی و منابع اطلاعاتی، مالی و انسانی حوزه خدمات و سلامت اجتماعی؛

■ توانمندسازی منابع انسانی و تقویت نظام جبران خدمات کارکنان

دستگاه متولی حوزه خدمات و سلامت اجتماعی کشور؛

■ تسهیل قواعد و روبه‌های اداری و حقوقی مرتبط با تشکلهای اجتماعی؛

■ اصلاح ساختار و فرایندهای اجرایی دولت و نهادهای تصمیم‌گیرنده کشور با رویکرد مشارکت‌محور؛

■ رفع بستر تعارض منافع میان بخش دولتی و تشکلهای اجتماعی در کشور؛

■ حمایت از تشکلهای اجتماعی تازه تأسیس در حوزه‌های جوانان و زنان؛

■ حمایت مالی و غیرمالی از تشکلهای اجتماعی فعال در حوزه توانبخشی و توانمندسازی مددجویان تحت پوشش دستگاه‌های حمایتی کشور.



۱. مقدمه

بند «۱۳» سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه^۱ بر «اعتلای فرهنگ عمومی در جهت تحکیم سبک زندگی اسلامی ایرانی، تقویت هم‌بستگی ملی و اعتماد عمومی، ارتقای هویت ملی و روحیه مقاومت، کار و تلاش در جامعه با بسیج تمامی امکانات و ظرفیت‌های کشور، دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و مردمی و افراد و شخصیت‌های اثرگذار علمی و اجتماعی و حمایت و پشتیبانی مؤثر دولت از آن» تأکید دارد. همچنین در بند «۱۸» سیاست‌های مذکور نیز مقرر شده است: «ارتقای سلامت اجتماعی و پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه اعتیاد، حاشیه‌نشینی، طلاق و فساد براساس شاخص‌های معتبر و بهره‌گیری حداکثری از مشارکت مردم و با زمان‌بندی متناسب». با استناد به قانون اساسی^۲ و ادبیات نظری حوزه حکمرانی، تأکید می‌شود دولت برای تحقق اهداف غایی سیاست‌های مذکور در کشور باید به مردم و نهادهای مردمی اعتماد کند و با انجام اقدامات صحیح زمینه جلب اعتماد مردم و نهادهای مردمی به دولت را فراهم سازد. در صورتی که اعتماد متقابل میان مردم و دولت تا حدودی التیام یابد، شرایط همکاری و مشارکت دولت با مردم برای بهبود شاخصه‌های عدالت اجتماعی در کشور نیز بهبود خواهد یافت.

دولت / حاکمیت باید این واقعیت را بپذیرد که خود به تنهایی نمی‌تواند تمام نیازهای اجتماعی مردم را تأمین و اهداف متعالی سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه را محقق سازد. از طرف دیگر نیز حق ندارد با واسپاری و واگذاری این امور به بخش غیردولتی مسئولیت خود در قبال پیشرفت و تأمین اجتماعی مردم را فراموش کند. دولت باید دوش‌به‌دوش مردم و نهادهای مردمی اقدام به تأمین اجتماعی در سطح جامعه نماید. [۲] برای این مهم، نیاز به ظرفیت‌های اجرایی و منابع مالی بخش غیردولتی دارد، اما تا زمانی که حلقه‌های میانی و نهادهای مردمی در فرایندهای تصمیم‌گیری شریک دولت نباشد و دولت امکان نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی را برای این نهادها فراهم نکند و مطالبه‌گری مردمی را به رسمیت نشناسد، مردم و تشکلهای مردم‌نهاد تمایلی برای همکاری با دولت نخواهند داشت. چنانچه جایگاه واقعی مردم و نهادهای مردمی در حاکمیت لحاظ شود در آن صورت می‌توان انتظار داشت که تشکلهای مردمی در حوزه امور فرهنگی و اجتماعی همراه دولت باشند و در امتداد این همکاری همه‌جانبه میان مردم و دولت، اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی جامعه افزایش یابد. با این مقدمه به‌نظر می‌رسد برای تحقق اهداف عالیه سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه در کشور بر مبنای الگوی مذکور باید قالب‌ها و قواعد مشارکت مردمی در حوزه اجتماعی، بر مبنای محورهای زیر تبیین و مبنای عمل قرار گیرند.

۱ مشارکت مردم در سطح تصمیم‌گیری نیازمند بازآرایی در ساختار حقوقی و ارکان مدیریتی نهادهای متولی حوزه اجتماعی از منظر تقویت نقش مردم، خیرین، و انجمن‌ها و کانون‌های صنفی است. مشارکت مردم باید به‌صورت **ساختارمند و باثبات** در قالب تشکلهای سازمان‌یافته مانند کانون انجمن‌های صنفی کارگری، کانون صنفی مراکز توانبخشی، شبکه‌های ملی مؤسسات خیریه کشور صورت پذیرد و از مشارکت موردی و غیر نهادمند و حداقلی پرهیز شود. [۷]

۲ نظارت مردم بر عملکرد دستگاه‌های مسئول در این حوزه و سنجش میزان موفقیت آنان، نیازمند تقویت زیرساخت‌های اطلاعاتی، توسعه دولت الکترونیک و ایجاد سامانه‌های برخط مبتنی بر اصول **شفافیت در سه سطح** اطلاعاتی، مالی و عملکردی است تا از این طریق **امر نظارت** مردم و نهادهای مردمی بر حسن اجرای برنامه‌های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای ممکن شود. [۷]

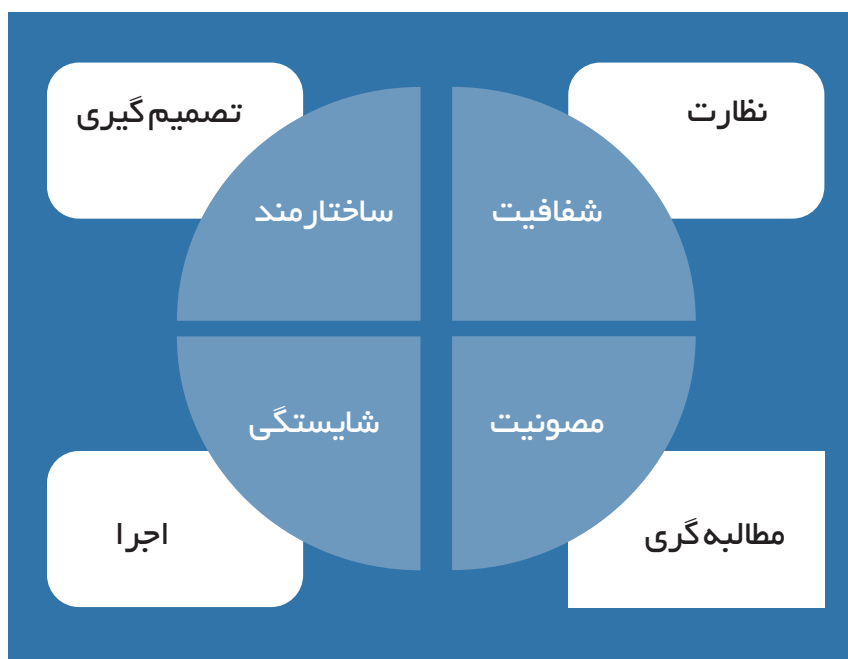
1. <https://khl.ink/f/50920>

۲. بند «۸» اصل سوم و اصول پنجاه و ششم و چهل و چهارم قانون اساسی.

۳ مطالبه‌گری در این عرصه، نیازمند مصونیت قضایی و سیاسی است تا کنشگران، سوت‌زن، فعال اجتماعی، آمر به معروف و سایر عنوان‌های مشابه در حوزه اجتماعی بتوانند نقش مطالبه‌گری را ایفا می‌کنند. در صورتی که این افراد در کنش‌های خود مصونیت نداشته باشند؛ مطالبه‌گری در حوزه اجتماعی، پر هزینه یا عملاً غیرممکن خواهد بود. [۷]

۴ پیش‌شرط مشارکت نهادها و تشکلهای مردمی در تأمین مالی (نقش اجراکننده) منابع مورد نیاز برای تحقق سیاست‌های برنامه هفتم توسعه در کشور، تحقق نقش مردم و تشکلهای مردمی در هر سه ساحت «تصمیم‌گیرنده»، «نظارت‌کننده» و «مطالبه‌گر» است. در همین حال از طریق نظام رتبه‌بندی تشکلهای مردمی براساس اصل شایستگی و همچنین تبیین شاخص‌ها و استانداردهای تخصصی برای اجرای سیاست‌های مذکور و ارزیابی تشکلهای مردمی از دیگر پیش‌شرط‌های اجرا و تحقق این نقش است. این گونه دولت نیز می‌تواند بخشی از پروژه‌های امدادی و حمایتی خود را براساس رتبه‌های مکتسبه به کارآمدترین تشکلهای مردمی واگذار کند. [۷]

شکل ۱. اصول حاکم بر سطوح مشارکت مردم در اجرای سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه



به عبارت دیگر، تشکلهای مردمی باید بتوانند در فرایندهای تصمیم‌گیری در حوزه‌های اجتماعی مشارکت ساختارمند و به اثبات داشته باشند. همچنین باید سازوکار شفافیت بر ساختارها و فرایندهای اجرایی کشور حاکم باشد تا کنشگران و فعالان اجتماعی با اطمینان از مصونیت و امنیت سیاسی و قضایی خود اقدام به پیگیری انحرافات ذی‌نفعان از سیاست‌های کلی برنامه هفتم کنند و در نهایت، تشکلهای مردمی نیز متناسب با استحقاق و شایستگی‌های تخصصی‌شان بخشی از امور حمایتی و امدادی کشور را برعهده گیرند. تبیین و استقرار چنین الگویی در کشور برای تحقق سیاست‌های مذکور ضرورتی محتوم است. [۷]



۲. احکام مرتبط با حوزه شکل‌های اجتماعی در لایحه برنامه هفتم

- ۸ تبصره «۱» بند «ج» ماده (۷۰) در خصوص اعمال نظام سطح‌بندی برای بخش خصوصی و خیریه با تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- ۹ جزء «۲» بند «ث» ماده (۷۳)، ایجاد فرصت بهره‌مندی اشخاصی که از بیمه تکمیلی تجاری برخوردار نیستند از خدمات بیمارستان‌ها و مراکز خدمات درمانی خیریه‌ای.
- ۱۰ بند «ح» ماده (۷۵)، مبنی بر محاسبه ۱۰۰ درصد هزینه‌کرد اشخاص حقوقی در توسعه و عمران مناطق محروم به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی.
- ۱۱ بند «ح» ماده (۸۳)، جلب مشارکت‌های مردمی برای تأمین هزینه‌های اداره و توسعه و مرمت اماکن و محوطه‌های تاریخی و موزه‌ها.
- ۱۲ بند «ث» ماده (۸۴)، مکلف کردن دولت برای خدمت‌رسانی به افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی با بهره‌گیری حداکثری از مشارکت‌های مردم و غیردولتی.
- ۱۳ بند «ج» ماده (۸۵)، در خصوص تکلیف وزارت کشور در جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی از طریق توسعه نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌های مشارکت گروهی و تأمین مالی مبتنی بر رویکرد خیر اجتماعی و ایجاد سامانه یکپارچه اطلاعات تشکیل‌های مردم‌نهاد.
- ۱۴ بند «الف» ماده (۹۱) در خصوص جلب مشارکت‌های آموزشی و تربیتی مردمی و اعطای اختیارات مالی، مدیریتی، آموزشی و پرورشی لازم به مدارس مربوط.
- ۱۵ بند «ب» ماده (۹۱) در خصوص مشارکت در طرح‌های نیمه تمام خیرین مدرسه‌ساز.

- دولت در قالب لایحه برنامه هفتم توسعه در احکام ذیل به موضوعات مبتلابه مشارکت‌های مردمی و شکل‌های اجتماعی در ۵ سال آتی کشور پرداخته است [۹]:
- ۱ جزء «۲» بند «ب» ماده (۶)، در خصوص انتخاب نهاد‌های توسعه‌ای کسب و کار و تهسیلگری مانند سازمان‌های خیریه‌ای و سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان رابط میان دولت و مردم و تعیین سه سهمیه برای هر یک از آنها.
 - ۲ بند «ب» ماده (۱۸)، در خصوص اعطای کمک به بخش غیردولتی در راستای وظایف دولت و متناسب با قیمت تمام شده محصول و الزام به پاسخ‌گویی بخش غیردولتی در قبال کمک‌های دریافتی.
 - ۳ بند «ج» ماده (۳۸)، در خصوص محاسبه هزینه‌های انجام شده خیرین در احداث و توسعه و تکمیل طرح‌های آب‌رسانی به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی.
 - ۴ بند «ب» ماده (۵۴)، الزام وزارت راه و شهرسازی به منظور تأمین بخشی از هزینه‌های مسکن محرومین.
 - ۵ بند «پ» ماده (۶۹)، الزام ارائه‌دهندگان خدمات سلامت اعم دولتی و خصوصی و خیریه‌ای به عقد قرارداد بیمه‌های درمانی پایه.
 - ۶ بند «ث» ماده (۷۰)، مکلف کردن مؤسسات و مراکز ارائه‌دهنده خدمات سلامت، دارو و درمان خیریه‌ای به رعایت تعرفه‌های مصوب دولت.
 - ۷ جزء «۱» بند «ج» ماده (۷۰) در خصوص تهیه نظام تجهیز منابع با تأکید بر مشارکت خیرین و کمک‌های مردمی در حوزه بهداشت و درمان.

۳. ارزیابی لایحه برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه

جمهوری ایران به نقش احیای شده مردم در مدیریت کشور در دوران پس‌انقلاب اشاره کردند.^۱ در ادبیات جدید حوزه توسعه نیز، مشارکت هدف توسعه است نه صرفاً ابزاری برای توسعه. [۱] به عبارت دیگر دولت مکلف است شرایطی را فراهم کند که مردم بتوانند در ساختارهای غیررسمی مانند شکل‌های مردم‌نهاد، گروه‌های جهادی و مردمی و سایر حلقه‌های میانی جامعه عضویت داشته باشند و کارگروهی

احکام مرتبط با حوزه مشارکت‌ها و شکل‌های مردمی که در فصول متنوع لایحه برنامه هفتم توسعه کشور گنجانده شده است، چند ایراد اساسی دارد که بی‌توجهی به آنها عوارض ناگواری در جامعه به دنبال خواهد داشت.

۱. کم‌توجهی به امر مشارکت اجتماعی و زندگی انجمنی

رهبر معظم انقلاب در مراسم تنفيذ حکم دوازدهمین دوره ریاست

۱. نسل جدید ما فراموش نکند، ما دوره‌ی قبل از انقلاب را با همه‌ی وجودمان لمس کردیم؛ دیکتاتوری را، در حاشیه بودن مردم را، بی‌اعتنائی به مردم در امر حکومت را با همه‌ی وجودمان دیده‌ایم؛ جوانهای ما ندیده‌اند. مردم، قبل از پیروزی انقلاب هیچ نقشی در مدیریت کشور و تعیین مدیران نداشته‌اند؛ رؤسا، سلاطین، پادشاهان و اطرافیان‌شان، می‌آمدند، میرفتند، [اما] مردم فقط تماشاچی بودند؛ هیچ نقشی نداشتند. انقلاب اسلامی آمد و مردم را از حاشیه به متن آورد؛ مردم شدند صاحب اختیار (۱۳۹۶/۵/۱۲).

روش اعطای مستقیم کمک‌های مالی و معیشتی به نیازمندان را به هر روش غیرمستقیم و نهادی ترجیح می‌دهند. [۳] در شرایطی که وضعیت اقتصادی بخشی از جامعه را از جامعه خیرین کشور حذف کرده، بارگذاری امور حاکمیتی و محوری همچون امور حمایتی و محرومیت‌زدایی بر نهادهای خیریه‌ای و دستگاه‌های حمایتی مانند سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی راهبردی پرخطر و اشتباه است.

۵. تدوین برنامه در نبود آمار و اطلاعات متقن در حوزه مشارکت‌های مردمی

بنیای برنامه‌ریزی در هر سه سطح کوتاه‌مدت، میان‌مدت و برنامه‌های راهبردی، داشتن آمار و اطلاعات دقیق و قابل اعتماد است، در صورتی که منبع و مرجعی برای حصول چنین اطلاعاتی در حوزه مشارکت‌ها، کمک‌ها و تشکلهای مردمی وجود ندارد. به عبارت دیگر، نمی‌دانیم که مردم تمایل دارند در کدام حوزه‌های اجتماعی مشارکت داوطلبانه داشته باشند. کدام شیوه‌ها و روش‌های مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم را برای فعالیت اجتماعی خود ترجیح می‌دهند. روند جلب مشارکت (جذب منابع مالی) خیرین صعودی است یا نزولی و میزان تغییرات به چه میزان است و سؤالات متعددی که برای تدوین برنامه‌های اجتماعی با رویکرد مشارکت محور، پاسخ به آنها بسیار ضروری است، لکن با توجه به عدم حاکمیت داده در حوزه‌های مذکور در کشور، احکام تنظیم شده در زمینه مشارکت‌های مردمی بنیان قوی و قابل اتکایی ندارند.

۶. هدف‌گذاری نامشخص در حوزه مشارکت‌های اجتماعی

در لایحه برنامه هفتم توسعه، مشخص نیست کشور در وضعیت موجود در حوزه مشارکت کجاست و قرار است پس از ۵ سال به کجا برسد؟ میزان جلب مشارکت‌ها توسط دستگاه‌ها و نهادهای دولتی در حوزه محرومیت‌زدایی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی در پایان هر سال و در پایان برنامه باید به چه میزان برسد؟ میزان عملکرد دستگاه‌ها در حوزه‌های مشارکتی تعیین شده در هر مقطع زمانی از برنامه باید چه میزان باشد؟ در نهایت می‌توان این‌گونه برداشت کرد که در برنامه مشخص نیست که دولت به میزان روی مشارکت‌های مردمی حساب کرده و با این منابع قرار است چه میزان محرومیت‌زدایی و پیشرفت ایجاد کند؟

۷. نداشتن نگاه جامع به مشارکت اجتماعی

احکام لایحه برنامه هفتم در حوزه اجتماعی حکایت از آن دارد که مشارکت اجتماعی از نگاه دولت یعنی حضور مردم برای مبارزه و مواجهه با آسیب‌های اجتماعی، حمایت از محرومین، کمک نقدی و غیرنقدی به دولت برای انجام امور عمومی کشور. از این رو نقش‌هایی

اجتماعی و زندگی انجمنی داشته باشند. در نهایت از نگاه ایشان کشوری را که در آن مشارکت اجتماعی نهادینه نشده باشد، نمی‌توان توسعه یافته نامید. لایحه برنامه هفتم توسعه هیچ حکمی برای تقویت نهادها و تشکلهای مردمی ندارد. تسهیل فرایند تأسیس تشکلهای، حمایت‌های مالی و غیرمالی برای فعالیت و اداره آنها، ایجاد سازوکار نظارتی در خصوص کیفیت عملکردی و شفافیت مالی تشکلهای، ارزیابی و رتبه‌بندی تشکلهای، ایجاد کانال‌های ارتباطی برای تعاملات تخصصی و نظارتی تشکلهای با دولت و مواردی از این قبیل که در میان احکام لایحه مزبور نماینده‌ای ندارند.

۲. نقش مبهم نهادها و تشکلهای مردمی در نظام اداری کشور

مسئول تنظیم‌گری، تسهیل‌گری و نظارت بر تشکلهای مردم‌نهاد و مؤسسات خیریه‌ای کشور در نظام اداری کشور مشخص نیست. شورای اجتماعی کشور، سازمان امور اجتماعی، سازمان بهزیستی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، کمیته امداد امام خمینی، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و سازمان اوقاف و امور خیریه کشور هر کدام به طریقی برای فعالان اجتماعی سیاست‌گذاری می‌کنند. مجوز برای تأسیس تشکل یا خیریه صادر می‌کنند. به صورت جزیره‌ای اقدام به نظارت، ارزشیابی و رتبه‌بندی تشکلهای می‌کنند. منابع زیادی را با اهداف و شیوه‌های کاملاً متفاوت به تشکلهای تخصیص می‌دهند. از این رو در سطح عملیاتی هر گروه از تشکلهای با نگاه خاص متولی خود فعالیت می‌کنند. این مسئله باعث می‌شود که نسبت دولت با تشکلهای و بالعکس مبهم و سردرگم باشد.

۳. مشارکت حداقلی تشکلهای در حکمرانی اجتماعی کشور

همان‌طور که در جزء «۱» بند «ج» ماده (۷۰)^۱، بند «ح» ماده (۸۳)^۲ و بند «ث» ماده (۸۴)^۳ لایحه پیش‌رو مشاهده می‌شود از نظر دولت عبارت «مشارکت مردمی» به معنای مشارکت مردم در تأمین منابع مالی مورد نیاز دولت برای انجام امور حمایتی و عمرانی کشور است. به همین سیاق نیز نقش تشکلهای مردم‌نهاد را در ساحات مشارکت واقعی به رسمیت نمی‌شناسد. به بیانی دیگر، تا زمانی که نهادهای مردمی در فرایند تصمیم‌گیری، نظارت و مطالبه‌گری مشارکت نداشته باشند، انگیزه‌ای برای مشارکت پُر توان و همه‌جانبه در حوزه اجرای امور امدادی و حمایتی نخواهند داشت.

۴. کم‌توجهی به سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در تدوین احکام مرتبط با امور خیریه‌ای

آخرین مطالعات انجام شده در حوزه امر خیر حکایت از آن دارد که مردم (به‌ویژه جوانان) تمایل بسیار ناچیزی برای اعطای کمک مالی به دولت و نهادهای حمایتی دارند. این افراد اظهار داشتند که

۱. تهیه نظام تجهیز منابع با تأکید بر مشارکت خیرین و کمک‌های مردمی در حوزه بهداشت و درمان.

۲. جلب مشارکت‌های مردمی برای تأمین هزینه‌های اداره و توسعه و مرمت اماکن و محوطه‌های تاریخی و موزه‌ها.

۳. مکلف کردن دولت برای خدمت‌رسانی به افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی با بهره‌گیری حداکثری از مشارکت‌های مردم و غیردولتی.



برداشت می‌شود که دولت نه تنها عرصه مشارکت مردمی را محدود به اقدامات امدادی و حمایتی، بلکه در همین محدوده نیز نمی‌داند که منابع مالی و انسانی را باید به‌سوی کدام اولویت مسائل اجتماعی هدایت کند و این به‌منزله اتلاف سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی کشور در طول پنج سال آتی کشور است.

۸. کم‌توجهی به اقشار و تشکلهای اجتماعی خاص کشور

بی‌توجهی به مشکلات عدیده مالی و عملکردی بیش از ۲۷۰۰ تشکل ارائه‌دهنده خدمات توانبخشی به معلولان ذهنی و جسمی حرکتی و سالمندان، حدوداً ۲۶۰۰ تشکل ارائه‌دهنده خدمات بهزیستی و حمایتی از نیازمندان و زنان بی‌سرپرست یا سرپرست خانواده، بیش از ۷۰۰ تشکل نگهداری و توانمندسازی کودکان و زنان بی‌سرپرست، بدسرپرست و در معرض خطر و خشونت و چندین تشکل مردم‌نهاد فعال در حوزه بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج از جمله اوتیسم، ام‌اس، هموفیلی، تالاسمی، پروانه‌ای (ای‌بی) و... پیامدی جزو بحران‌های انسانی و اجتماعی در کشور نخواهد داشت. لایحه برنامه هفتم توسعه کمترین ورودی به رفع مشکلات این تشکلهای داشته است.

۹. حذف شدن برخی احکام حمایتی دولت و افزایش بار مسئولیت تشکلهای اجتماعی

برخی از احکام حمایتی و امدادی در خصوص نیازمندان، معلولان، آسیب‌دیدگان اجتماعی و سایر افراد تحت پوشش سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) که در قانون برنامه ششم توسعه، تکالیفی را برای دولت در نظر داشت، از لایحه هفتم توسعه حذف شده است. از این قبیل می‌توان به حذف احکام مندرج در جدول زیر اشاره کرد.

مانند افزایش سرمایه اجتماعی، سوت‌زنی و کشف فساد، نظارت بر عملکرد بخش دولتی و خصوصی، مطالبه حقوق اقشار مستضعف و آسیب‌دیده و سایر موارد مشابه برای تشکلهای اجتماعی دیده نشده است. وقتی نسبت بین مردم و حکمرانی (ارتباط عمودی) و مردم با مردم (ارتباط افقی) خوب نباشد، اساساً پیشرفت رخ نمی‌دهد. مشارکت یعنی توزیع قدرت بین مردم. خیریه‌ای که مولد، مطالبه‌گر یا نظارت‌کننده نباشد، در مسیر رسیدن به اهداف پیشرفت کمک‌چندانی نمی‌کند. سازمان‌ها و نهادها باید به‌صورت ساختاری مشارکت‌پذیر باشند، مشارکت ساختارمند در ساحات تصمیم‌گیری، نظارت و مطالبه‌گری باید از جانب دولت تسهیل و ترغیب شود. در غیر این صورت مشارکت محدود به اقدامات خیریه‌ای امدادی و غیرمولد (از قبیل تأمین غذا، مسکن، جهیزیه، آزاد کردن زندانیان جرائم غیر عمد، نگهداری از سالمندان و زنان و کودکان آسیب‌دیده و...) خواهد شد که حافظ وضع موجود هستند و الزاماً منتج به پیشرفت نخواهند شد.

شایان توجه است که احکام پیش‌بینی شده برای هدایت مشارکت‌های مردمی در حوزه آسیب‌های اجتماعی نیز از اعتبار کافی برخوردار نیست. یعنی لایحه مشارکت‌های مردمی را به‌سمت و سویی هدایت کرده است که خود از وضع موجود آن کم‌اطلاع است. با توجه به پیگیری‌های رسمی و غیررسمی از نهادهای متولی این حوزه، مشخص شد که آمار و اطلاعات منسجمی در خصوص آسیب‌های اجتماعی وجود ندارد. از این‌رو در تمام فصول لایحه برنامه مردم را به‌سمت و سویی سوق داده شده‌اند که از وضع موجود روشن و مشخص نیست که کدام آسیب یا کدام حوزه آسیب‌زا در اولویت اقدام قرار دارد. درنهایت این‌گونه

جدول ۱. احکام حمایتی و امدادی برنامه ششم توسعه که از برنامه هفتم توسعه حذف شده

ماده	تبصره، بند / جز	حکم
(۲۷)	الف / ۱۰	بخشودگی سود و جرائم تسهیلات پرداخت‌شده به افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی جهت بازسازی اماکن مسکونی مناطق آسیب‌دیده از حوادث طبیعی و غیرمترقبه.
(۵۹)	ب / ۲	ساخت و خرید سالانه حداقل صدوپنجاه هزار واحد مسکن اقشار کم‌درآمد در شهرها.
(۷۵)	تبصره (۲۱)	ده درصد (۱۰٪) حق‌التحریر ثبت طلاق جهت کمک به تأمین هزینه‌های آزمایش ژن‌شناسی (ژنتیک) مددجویان.
(۷۹)	-	افزایش هر سال حداقل مستمری خانوارهای مددجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی بر مبنای (۲۰٪) حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار.
(۸۰)	ج / ۲	معافیت افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی از پرداخت هزینه‌های صدور پروانه ساختمانی.
(۸۰)	ب / ۲	پوشش و تمهید تسهیلات اشتغال برای کلیه مددجویان واجد شرایط پشت‌نوبتی کمیته امداد امام خمینی (ره).
(۸۰)	ج / ۱	تداوم اجرای طرح ساماندهی و توان‌بخشی بیماران روانی مزمن با پوشش حداقل (۷۵٪) جمعیت هدف.
(۸۰)	ج / ۲	تداوم اجرای طرح ساماندهی و توان‌بخشی سالمندان با پوشش حداقل (۲۵٪) جمعیت هدف.
(۸۰)	ح	کاهش حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) جمعیت کودکان کار.
(۸۰)	الف / ۴	«تدوین نظام جامع رصد آسیب‌های اجتماعی و معلولیت‌ها»
(۸۳)	الف	یک درصد (۱٪) از محل وصول عوارض مناطق آزاد تجاری برای اشتغال محرومان بومی مناطق از طریق کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی.

ماده	تبصره، بند/ جز	حکم
(۷۷)	الف	کمک به حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی با استفاده از مشارکتهای اجتماعی مردم.
(۷۷)	ب	توسعه و تقویت شبکه امداد و نجات کشور.
(۷۷)	پ	افزایش آگاهیهای عمومی و آموزشهای همگانی جهت افزایش تابآوری جامعه.
(۷۷)	ت	تأمین منابع برای مقابله با حوادث و سوانح، از محل ماده (۱۶۳) قانون امور گمرکی به میزان (۱٪).

در لایحه پیشرو، سیاستگذاری و تنظیمگری در حوزه اجتماعی به شورای اجتماعی کشور واگذار شده است. در این شورا افرادی از یک تشکل مردم نهاد کشور عضویت دارد. در ترکیب اعضای هیئت مدیره این تشکل شناخته شده کشور، افرادی از مدیران ارشد سه قوه عضویت دارند. همچنین در حوزه مدرسه سازی و کمک به خیرین مدرسه ساز نیز احکامی پیش بینی شده است. وزارت آموزش و پرورش و سازمان توسعه و نوسازی و تجهیز مدارس، متولی این تنظیم و اجرای این احکام هستند، لکن وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان مذکور در یکی از بزرگترین خیریه های مدرسه ساز کشور عضویت دارند.^۱ این گونه ارتباط های درهم تنیده نادرست متولیان دولتی با مجریان غیردولتی، مطمئناً احساس محرومیت و تبعیض را برای سایر تشکلهای کشور فراهم می کند و امکان بروز فساد و ویژه خواری را در جامعه تسهیل می سازد.

حذف این احکام از برنامه پنج ساله توسعه کشور به منزله انتقال بار مسئولیت در هر کدام از موارد حذف شده از دوش دستگاه های اجرایی و بار کردن آنها بر دوش تشکلهای مردم نهاد و مؤسسات غیردولتی فعال در کشور. این رویکرد و رفتارهایی که منجر به واسپاری یا رهاسازی وظایف حاکمیتی و محوری دولت به بخش غیردولتی می شود، نه تنها مردود، بلکه مذموم است. علاوه بر این، با توجه به شرایط تحریم اقتصادی کشور، افزایش خط فقر، کاهش سرانه درآمدی خانوار و افزایش روزافزون آسیب های اجتماعی در کشور امکان واگذاری این امور به تشکلهای مردم نهاد و خیریه های موجود کشور نیست. تشکلهای خیریه هایی که در حال حاضر در شرف تعطیلی هستند یا اینکه محورهای حمایتی و میزان امداد رسانی خود به جامعه هدف را به دلایل پیش گفته محدود کردند.

۱۰. رفع نشدن برخی از منابع تعارض منافع در حوزه مشارکتهای و تشکلهای مردمی

۴. جمع بندی و پیشنهادها

باید نظام اداری خود را برای مواجهه با بحران های اجتماعی ناشی از آن در حالت آماده باش نگه دارد. لذا بهتر است دولت برای برنامه ریزی های توسعه ای در کشور از منظر مشارکت و تشکلهای مردمی در صورت وجود اعتبارات و ظرفیت های اجرایی، نکات و پیشنهادهای زیر را مدنظر قرار دهد:

۱- تعیین متولی سیاستگذاری، برنامه ریزی و مدیریت امور اجتماعی اعم از سلامت اجتماعی، خدمات اجتماعی، مشارکت اجتماعی، جوانان، زنان و خانواده در کشور را با هدف حذف موازی کاری، همسویی سیاست ها و برنامه ها، رفع هم پوشانی ها و تعارضات نهادی، هم افزایی و افزایش کارآمدی عملکردی با مشارکت سازمان امور اجتماعی، سازمان بهزیستی، معاونت زنان ریاست جمهوری، ستاد مدیریت بحران، معاونت جوانان وزارت ورزش و جوانان، سازمان اوقاف و امور خیریه کشور، سازمان توسعه، تجهیز و نوسازی مدارس، کمیته امداد

با توجه به مباحث فوق الذکر، لایحه برنامه هفتم توسعه از منظر مشارکت و تشکلهای مردمی جامع و مانع نیست. مشارکت نهادمند حلقه های میانی و تشکلهای مردم نهاد می تواند منتج به پیشرفت اجتماعی، تقویت انسجام ملی و افزایش سرمایه اجتماعی شود که بخش مهمی از ضروریات کشور است؛ دولت در پنج سال آینده برنامه منسجمی برای این ضروریات ندارد و به عبارتی توانمندسازی تشکلهای مردم نهاد و مشارکت همه جانبه آنها در لایحه برنامه توسعه کشور دیده نشده است. برخی از فعالان اجتماعی تمایلی به تأسیس تشکلهای مردم نهاد ندارند یا توان اداره تشکل خود را از دست داده اند. تعدادی از تشکلهای اجتماعی فعال در حوزه توانبخشی و توانمندسازی مددجویان کشور در شرف تعطیلی هستند. بعضی از تشکلهای برای تأمین سلامت و درمان بیماران تحت حمایتشان مستاصل شده اند. در شرایطی که برای رفع این قبیل مشکلات تصمیمات و تدابیر عاجل و مؤثری اخذ نشود، دولت

۱. برای اطلاع بیشتر به گزارش مرکز پژوهش های مجلس با عنوان «گزارش نظارتی در خصوص عضویت اشخاص حقوقی در جامعه خیرین مدرسه ساز» و شماره مسلسل ۱۹۱۹۷ مراجعه شود.



امام خمینی، جمعیت هلال احمر، نماینده‌های کانون‌ها و انجمن‌های مراکز و مؤسسات تحت پوشش سازمان بهزیستی، تشکل و شبکه‌های تخصصی ملی منتخب تشکل‌های مردم‌نهاد تحت پوشش وزارت کشور، وزارت ورزش و جوانان، سازمان محیط زیست، نیروی انتظامی و وزارت بهداشت و درمان.

۲۲ ایجاد فرایند مدیریت یکپارچه منابع انسانی، مالی و اطلاعاتی، پایش جامع سلامت و خدمات اجتماعی، هدایت، حمایت و نظارت بر تشکل‌ها و مؤسسات غیردولتی، ایجاد پنجره واحد خدمات اجتماعی و پیشرفت و توانمندسازی اجتماعی.

۲۳ تقویت تشکیلات و توانمندسازی منابع انسانی دستگاه متولی حوزه خدمات و سلامت اجتماعی کشور با جذب، به کارگیری و انتقال کارکنان تحصیل کرده علوم اجتماعی و انسانی مرتبط با حوزه عمل متولی مزبور و تقویت نظام جبران خدمات مشاغل حوزه اجتماعی با مشارکت سازمان اداری و استخدامی و سازمان برنامه و بودجه کشور.

۲۴ تسهیل قواعد و رویه‌های اداری و حقوقی برای تشکیل، آموزش و توانمندسازی سازمان‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد، مراکز و مؤسسات خدماتی حوزه بهزیستی، مؤسسات غیرتجاری انتفاعی و غیرانتفاعی.

۲۵ ایجاد ساختار یا فرایند مشارکت در چهار سطح تصمیم‌گیری، نظارت، مطالبه‌گری و اجرای برنامه‌ها و طرح‌های اجتماعی برای تشکل‌ها، مراکز و مؤسسات موضوع بند «۴».

۲۶ ایجاد فرصت حضور تشکل‌ها، مراکز و مؤسسات منتخب موضوع بند «۴» در شورای اجتماعی کشور موضوع تبصره «۲» ماده (۳) و ماده (۴) «آیین‌نامه تشکیل شورای اجتماعی کشور» و شورای عالی حفاظت محیط زیست موضوع ماده (۲) قانون «اصلاح قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست» و شورای عالی تأمین اجتماعی موضوع ماده (۴) «آیین‌نامه شورای عالی تأمین اجتماعی موضوع ماده (۱۸) قانون تأمین اجتماعی» شورای عالی آمایش سرزمین موضوع ماده (۳۲) قانون «احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور» و شوراهای برنامه‌ریزی و توسعه استان موضوع ماده (۳۱) قانون «احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور».

۲۷ مشارکت دادن تشکل‌های مردم‌نهاد در فرایندهای تعرفه‌گذاری یا تعیین قیمت تمام شده خدمات اجتماعی و خدمات حوزه سلامت اجتماعی.

۲۸ رفع بستر تعارض منافع و ویژه‌خواری در دولت، با ایجاد محدودیت برای عضویت مدیران حرفه‌ای موضوع ماده (۵۴) و مدیران سیاسی و مقامات موضوع ماده (۷۱) قانون مدیریت خدمات کشوری و پست‌های هم‌تراز آنها در دستگاه‌های موضوع این قانون و همچنین کارکنان شاغل در کلیه پست‌های مدیریتی در هیئت‌مدیره، مدیریت عاملی و سایر مدیریت‌های اجرایی شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان‌های زیرمجموعه وابسته یا تابعه آنها در ارکان سازمان‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد، مراکز و مؤسسات غیردولتی انتفاعی و غیرانتفاعی اعم از هیئت‌مؤسس، هیئت‌مدیره یا هیئت‌امنا، مدیرعامل، بازرس و سایر

عناوین مشابه. گفتنی است این افراد می‌توانند صرفاً به عنوان عضو عادی خارج از ساعات اداری کارکنان دولت در امور اجتماعی تشکل‌ها، مراکز و مؤسسات مذکور مشارکت داشته باشند و از فعالیت‌های اجتماعی محروم کنند.

۹۹ ایجاد تسهیلات مالی و مالیاتی برای تشکل‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد، مراکز و مؤسسات غیرتجاری غیرانتفاعی یا انتفاعی فعال در زمینه‌های اجتماعی موضوع بند «ح» ماده (۱۳۹) قانون مالیات‌های مستقیم که در مناطق محروم و کم‌برخوردار فعالیت می‌کنند.

۱۰۰ بازبینی و اصلاح آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با بخشودگی‌های مالیاتی، هزینه‌های قابل قبول، درآمدهای اتفاقی، قواعد مرتبط با ارزش افزوده، فرم‌های اظهارنامه، ساختار گزارش‌های سه‌ماهه ناظر، ارزش افزوده و خریدوفروش فصلی، کدبندی (کدینگ) حسابداری و سایر موضوعات مالی و مالیاتی مرتبط با خیریه‌ها، تشکل‌های مردم‌نهاد و مؤسسات غیرتجاری را متناسب با ماهیت و موضوع فعالیت آنها با مشارکت شبکه‌های ملی منتخب تشکل‌های مردم‌نهاد و کانون‌های کشوری مراکز خدماتی موضوع ماده (۲۶) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت.

۱۱۱ ایجاد وحدت رویه در رسیدگی به پرونده‌های خیریه‌ها، تشکل‌های مردم‌نهاد و مؤسسات غیردولتی غیرانتفاعی، در ادارات امور مالیاتی استانی و شهرستانی.

۱۱۲ اصلاح ساختار حقوقی و تسهیل فرایندهای اداری مورد نیاز به کارگیری نیروی داوطلب بدون حقوق در سازمان‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد، مراکز و مؤسسات خدماتی حوزه بهزیستی، مؤسسات غیرتجاری انتفاعی و غیرانتفاعی.

۱۱۳ حمایت مالی و غیرمالی از جوانان و زنان برای تأسیس و فعالیت تشکل‌های مردم‌نهاد در حوزه‌های به صورت شفاف و قاعده‌مند.

۱۱۴ اعمال حمایت‌های مالی و غیرمالی از مؤسسات غیرتجاری انتفاعی و غیرانتفاعی فعال در حوزه توانبخشی و توانمندسازی مددجویان تحت پوشش سازمان بهزیستی از طریق:

۱- ۱۴. معافیت از پرداخت هزینه‌های برق، گاز و آب در صورت رعایت الگوی مصرف متناسب با جمعیت مددجویان تحت پوشش مراکز.

۲- ۱۴. اختصاص زمین‌های بلامعارض با کاربری مصوب با اجاره ۹۹ ساله و غیرقابل تغییر کاربری برای شیرخوارگاه‌ها و مراکز نگهداری شبانه‌روزی کودکان بی سرپرست و خیابانی متقاضی پس از تأیید سازمان بهزیستی با استناد به بند «ت» ماده (۲۳) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت.

۳- ۱۴. مستثنا کردن مؤسسات و مراکز غیرتجاری موضوع ماده (۲۶) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰، از شمول جریمه تأخیر در پرداخت حق بیمه در صورت ارسال فهرست حق بیمه کارکنان شاغل در زمان مقرر، در صورت تأخیر در دریافت یارانه ماهیانه و مطالبات سنواتی از سازمان بهزیستی.

معتادین متجاهر، کودکان و بی سرپرست و بدسرپرست، دختران و زنان آسیب دیده و در معرض خطر و خشونت تحت پوشش تشکلهای اجتماعی فعال در این حوزه از قبیل (مؤسسات و مراکز مثبت زندگی، پیشگیری، توانبخشی، شبه خانواده، خانه های امن، تلاش و سلامت، کمپ های اجباری و تمایلی).

۱۸ تسهیل فرایند حقوقی و اداری تشکیل انجمن های صنفی کارفرمایی و کارگری فعال در حوزه سلامت اجتماعی و شبکه های ملی تشکلهای مردم نهاد حامی اقشار محروم، معلول، آسیب دیده، مددجو و توان خواه کشور و ایجاد کار گروه های مشترک برای اصلاح و بازبینی قوانین و مقررات مربوط به حوزه های متفاوت سلامت اجتماعی.

۱۹ اصلاح و بازآفرینی ساختار و تشکیلات سازمان امور اجتماعی و سازمان بهزیستی کشور و تقویت منابع انسانی و نظام حقوق و دستمزد سازمان های مذکور به منظور بهبود توان خبرگی، کارشناسی و عملیاتی (اجرا و نظارت) متولیان امور اجتماعی در کشور.

۱۵ تعیین و تصریح متولی و ذی مدخلان و ذی نفعان حوزه سلامت اجتماعی در کشور و رفع موازی کاری ها، هم پوشانی ها و اتلاف منابع مربوطه در کشور.

۱۶ ترسیم وضعیت سلامت اجتماعی کشور به صورت ملی و به تفکیک استان و شهرستان در مردادماه هر سال از طریق ۲۵۰۰ تشکل غیردولتی محله محور تحت پوشش سازمان بهزیستی (مراکز مثبت زندگی) و اعلام آمار و اطلاعات مذکور به صورت رسمی و کتباً به سازمان امور اجتماعی، کمیته امداد امام خمینی، هیئت وزیران و کمیسیون اجتماعی مجلس به منظور اتخاذ تصمیم های منطقی و داده محور در حوزه سلامت اجتماعی.

۱۷ تدوین برنامه زمانی و شاخص کتی مشخص برای پیشگیری و کاهش آسیب های اجتماعی برای متولی و متصدیان مرتبط با سلامت (درمان و توانبخشی)، توانمندسازی (آموزش، حرفه آموزی و اشتغال) و استقلال (نسبی یا کامل) معلولان ذهنی و جسمی حرکتی،

۵. منابع و مآخذ



۱۳۹۶): (جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰ ۱۳۹۶)، مصوب (۱۳۹۶

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1014547>

۷. عزت آبادی پور، ح، شیخی، س، زرغام افشار، م. (۱۴۰۲). الگوی مشارکت در نظام تأمین اجتماعی در ایران. تهران: دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

<https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1775547>

۸. قانون تأمین اجتماعی. (۱۳۵۴). قوانین و مقررات. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی:

<https://b2n.ir/b16382>

۹. لایحه برنامه هفتم توسعه. (۱۴۰۲). سند برنامه پنج ساله هفتم توسعه. مجموعه قوانین و مقررات کاربردی اداری و استخدامی:

<https://shenasname.ir>

۱۰. منصور، ج. (۱۳۸۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با اصلاحات ۱۳۶۸. تهران: دوران.

1. Goulet Denis (1995), Participation in Development Ethics a Guide to Theory and Practice. London. Ned Book Ltd.

2. Tortajada, C. (2016). Asia and the Pacific Policy Studies. 13(2), 266-274.

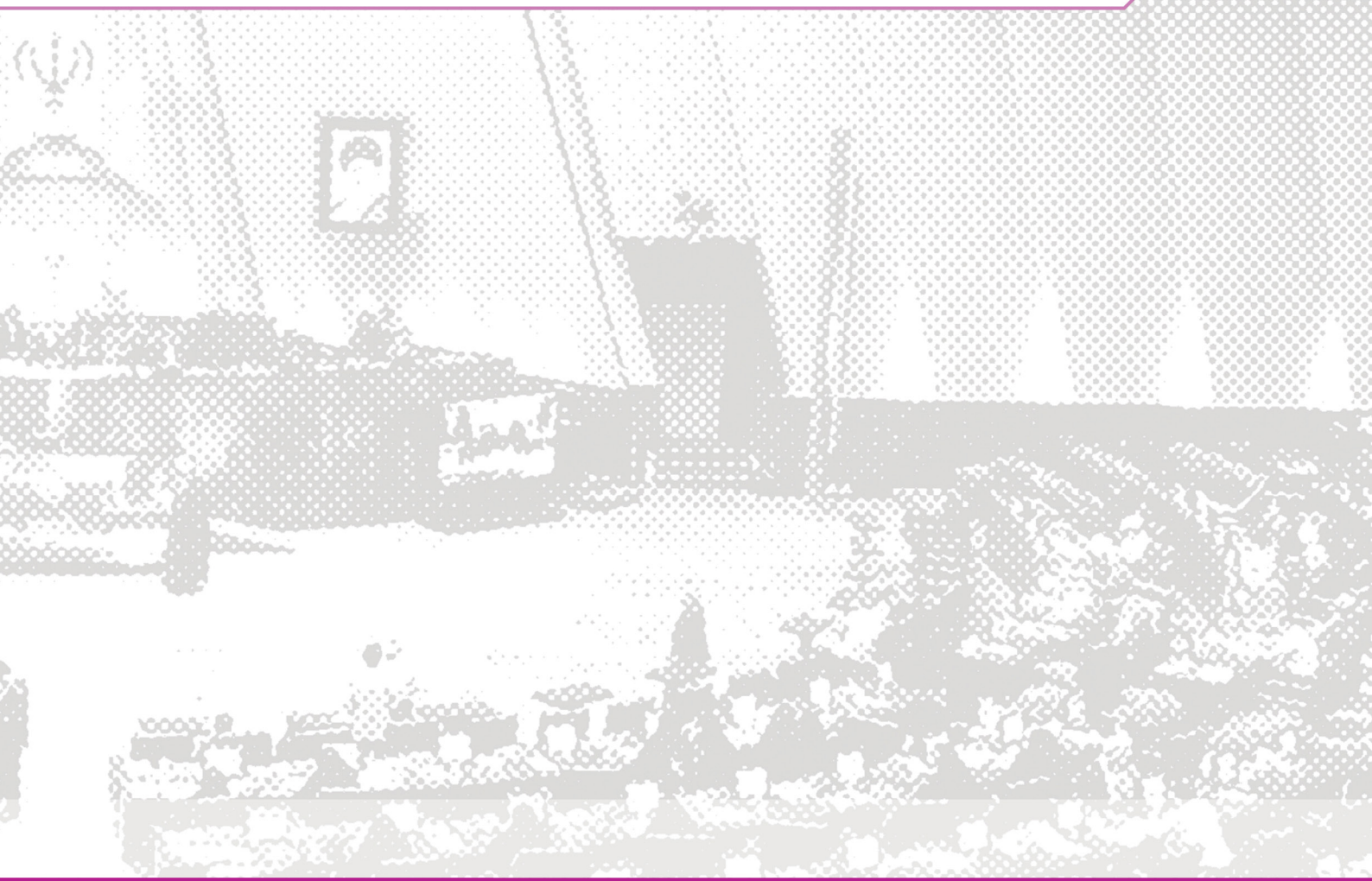
۳. سلیمی فر، م، ملک السادات، س، حسینی، س. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر ویژگی های فردی بر انجام فعالیت خیریه. مجموعه مقالات دومین همایش ملی خیر ماندگار.

۴. سیاست های کلی تأمین اجتماعی. (۱۴۰۱، ۲۱۰۱).
<https://khl.ink/f/50009>

۵. سیاست های کلی برنامه هفتم توسعه
<https://khl.ink/f/50920> (1401, 06 21). Retrieved from

۶. قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی





مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، رویروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc@majles.ir